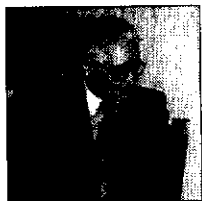


مقاله

یارانه و مسائل آن

ایس روزها یکی از مسائل مهم مورد بحث و بررسی مردم و دولت مسئله یارانه است. برخی جنسی بودن یارانه را بهتر می‌دانند و گروهی دیگر نقدی کردن آن را برتر می‌شمارند، اما بسیار اندک‌اند کسانی که بنیاد یارانه را مورد پرسش قرار دهند و کیفیتی که تاکنون داشته و پیامدهای کنونی آن را بررسی کنند. کمتر کسی می‌پرسد آیا یارانه به همین صورتی که تاکنون داشته ضروری و لازم بوده است؟ نتیجه و حاصلی که داشته با هزینه‌ای که صرف آن شد برابری می‌کرده و به دیگر سخن، ترازنامه آن مثبت بوده یا منفی؟ ما در این گفتار مسئله یارانه را از بعد ماهیت و ضرورت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نخست بگویم که «یارانه» هم یکی از همان مفاهیمی است که ما از دنیای غرب و سکولار وام گرفته‌ایم. یارانه معادل فارسی Subside است. فرهنگ لاروس فرانسه آن را این گونه معنی کرده است: «مبلغی که یک شه‌ریار (Prince) یک استان یا دولت کشوری به شه‌ریار ایالات دیگری می‌دهند یا متغیلاً از او می‌گیرند.» البته این معنی مربوط به دوران قرون وسطی است و ربطی به دوران کنونی ندارد. در این دوران آنچه خود من دیده و مشاهده کرده‌ام سوبسید فقط در زمانی به کار می‌رود که در کشوری قحطی و کمیابی کالاها وجود داشته باشد که عرضه آزادانه آن در بازار صورت نپذیرد و دولت برای این که همه مردم به تساوی از ایس کالا بهره‌مند شوند کوبن‌هایی را به مردم می‌دهد که سهمیه خود را بتوانند به بهای رسمی از عاملان آن کالاها به دست آورند. در کشور ما نیز در زمان جنگ جهانی دوم راه ورود بعضی کالاها مانند قند و شکر و قماش بسته شده بود و محصول کارخانه‌های داخلی ایس کالاها کفاف عرضه آزاد آن را نمی‌داد و گرانه‌فروشی آنها آغاز شده بود. توزیع کوبن آنها انجام گرفت، ولی همزمان



انور خاها

بهای محصولات آن گونه که سال‌ها بعد پدید آمد دیده نمی‌شد. علت برپایی یارانه و تأسیس سازمانی برای توزیع کوبن‌های بعضی کالاها با بهای نازل‌تر از بازار آزاد به ظاهر وعده‌ها و شعارهایی بود که در اوج انقلاب به سود اقتصاد صلواتی آینده داده شده بود و مخالفان و دشمنان جمهوری اسلامی آنها را بهانه و دستاویز قرار داده و علیه این نظام تبلیغ می‌کردند. تا آنجا که من به خاطر دارم نه توده مردم خواستار چنین «یارانه‌ای» بودند و نه نیاز اقتصادی مبرمی به برپایی آن وجود داشت، بلکه توده مردم بویژه طبقات و دهک‌های زیرین کشور آماده هرگونه کمک مالی و اقتصادی به دولت اسلامی بودند. هنگامی که دولت برای پیروزی در «جنگ تحمیلی» از مردم تقاضا کرد هر کس می‌تواند مخارج یک جنگجوی مسلح (برابر با ۵۰ هزار تومان) یا بیشتر و یا کمتر از آن را بپردازد بیش از نیمی از کارمندان دولت و کارگران و بازاریان به آن پاسخ مثبت دادند و خود من هم به اندازه مقدور در آن شرکت کردم و رسید آن را همچون لوح افتخاری نگاه داشته‌ام. بسیاری از مردان و بویژه بانوان جواهرات و زینت‌آلات و حتی حلقه ازدواج خود را عیناً تقدیم کردند و یا فروختند و مبلغ آن را اهدا کردند. اما طبیعی است وقتی دولت کوبن‌های یارانه را توزیع می‌کرد همه مردم آن را با میل و رغبت گرفتند، چون نگرفتن آن را نوعی ناسیاسی یا مخالفت با دولت می‌شماردند. اما بهترین دلیل برای این که در آن زمان کمتر کسی نیاز مبرم به این «یارانه» داشت این بود که از همان لحظه اول بازار خرید و فروش کوبن‌های یارانه آغاز شد و به تدریج به جایی رسید که صنف بزرگ و مهمی را در تهران و شهرهای دیگر تشکیل دادند که سر هر کوچه و هر گوشه‌ای بساط خود را پهن کردند و مخفی‌نماند که بعضی از آنها افزون بر خرید و فروش کوبن به کارهای نامشروع دیگر و دست کم

سوءاستفاده عاملان از ایس موقعیت و خرید و فروش غیرقانونی این کوبن‌ها صورت می‌گرفت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ چنین کمیابی وجود نداشت و نه راه ورود انواع کالاها بسته بود و نه کارخانه‌های درون کشور از کار افتاده بودند. تغییراتی در مدیریت این کارخانه‌ها و مؤسسه‌ها روی داده بود، ولی تولید می‌کردند و محصولات آنها مانند روغن نباتی جامد و مایع و قندوشکر و قماش و پارچه‌های دیگر به حد اشباع در بازار وجود داشت. تورم و افزایش

اگر در آغاز بنیانگذاری «یارانه» کسی نیاز مبرمی نداشت چندین سال بعد و شاید هم اکنون بخشی از پایین‌ترین قشرها و دهک‌های مردم بر اثر تورم شدیدی که حکمفرماست به همین روغن نباتی جامد و قندوشکر کوبنی نیاز دارند و روی آن حساب می‌کنند. اما اگر هزینه هنگفتی که سال‌های متمادی صرف این بنیاد شده و در ایجاد تورم هم بی‌اثر نبوده صرف تربیت جوانان بیکار می‌شد امروز چنین نیاز مبرمی هم پدید نیامده بود

به فراهم آوردن مزاحمت برای کسبه محل و عابران دست می‌زدند و شاید هم اکنون هم می‌زنند. بدین سان در آن زمان تأسیس بنیاد یارانه نه تنها لزومی نداشت که حاصلی هم جز هیکاره پروری و تنبل پروری نداشت. اگر میلیاردها تومان ارزشی که صرف این کار شد خرج گردد آوردن همین افراد بیکار و تربیت شغلی و فرهنگی آنها می‌شد اثری به مراتب بیشتر و مفیدتر از توزیع مقدار انبوهی روغن نباتی جامد یا قندوشکر مدت‌ها در انبار مانده میان کسانی داشت که چندان نیاز مبرمی به آن نداشتند و تنها اثر آن بدعادت کردن و پرتوقع ساختن قشری از مردم بود که به جای اتساک به نیروی خود در خانه بنشینند و منتظر باشند دولت من و سلوا برایشان از آسمان بریزد!

با همه کاستی‌های وضع موجود توزیع یارانه هنوز از توزیع نقدی بودجه آن میان مردم به مراتب بهتر است

یک نکته را فراموش نکنیم، اگر در آغاز بنیانگذاری «یارانه» کسی نیاز مبرمی نداشت چندین سال بعد و شاید هم اکنون بخشی از پایین‌ترین قشرها و دهک‌های مردم بر اثر تورم شدیدی که حکمفرماست به همین روغن نباتی

جامد و قندوشکر کوبنی نیاز دارند و روی آن حساب می‌کنند. اما اگر هزینه هنگفتی که سال‌های متمادی صرف این بنیاد شده و در ایجاد تورم هم بی‌اثر نبوده صرف تربیت جوانان بیکار می‌شد امروز چنین نیاز مبرمی هم پدید نیامده بود.

در پایان بپذیریم که با همه کاستی‌های وضع موجود توزیع یارانه هنوز از توزیع نقدی بودجه آن میان مردم به مراتب بهتر است. این توزیع نقدی از بدترین و زیانبارترین کارهایی است که یک دولت می‌تواند انجام دهد. کمترین زیانش این است که تورم موجود را چندبرابر خواهد کرد و بنابراین سودی برای گیرندگان یارانه نخواهد داشت و زیان مسلمی برای قشرهای دیگر جامعه به بار خواهد آورد.

**شریف بود و بی‌دریغ
بزرگ بود و از اهالی دیروز
در غروب روزی که فردایش زمستان می‌شود
ما را بر جای گذاشت و پرواز کرد**

محمد آقا مدیرشانه‌چی مبارزی نستوه از تبار مجاهدان راه آزادی و انقلاب به دیار باقی شتافت. مردی فرزانه که سال‌ها در کنار اندیشمندان و بزرگانی چون آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله زنجانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر صدیقی و اللهیار صالح بود و همراه با آنان مبارزه کرد و دل در گرو ایران و ایرانی داشت. بزرگی که سال‌ها به اشاعه اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی خود - که برگرفته از پیام انبیا و قرآن بود و از طالقانی، بازرگان و شریعتی دریافت کرده بود - در میان کسبه بازار پرداخت.

عشق او به وطن و اندیشه سرنوشت مردم ایران، در دوران نهضت ملی ایران او را با دکتر مصدق همراه کرد، به طوری که بازار و کسبه آن، مرحوم شانه‌چی را یک مصدقی تمام‌عیار می‌دانستند. آقای طاهر احمدزاده از همراهان و یاران دیرین مرحوم شانه‌چی می‌گوید پس از انقلاب شادوران شانه‌چی منزل خود را با همت خانواده گرانقدرش آماده پذیرایی کرده بودند و نهار و شام به کسانی که برای دیدار می‌آمدند می‌دادند. این نشانه‌ای آشکار از شخصیت آزاده و خلیق شادروان و خاندان شریف او بود.

علاقه و ارادت او نسبت به دو شخصیت تاریخ معاصر ایران - طالقانی و مصدق - به واقع استثنایی بود و کمتر کسی را دیدم که تا این حد به این دو شخصیت تاریخ معاصر ایران عشق بورزد.

روحش شاد و راهش پایدار